

یادداشت سیاسی توافق در پس پرده توافق



زمستان ۱۴۰۳



پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت

گروه سیاست پژوهی حقوق و سیاست

عنوان: توافق در پس پرده توافق

تدوین: عارف حسین‌زاده (تحلیل‌گر گروه حقوق و سیاست پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت)

طراح جلد و صفحه‌آرا: محمدحسین یدی

تاریخ انتشار: بهمن ۱۴۰۳

شمارگان: محدود

نشانی: بالاتر از چهارراه ولی‌عصر(عج)، خیابان بزرگمهر، خیابان سرپرست، پلاک ۱، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۴۴۵۸-۶۶۹۷۴۳۲۸

• همه حقوق این اثر به پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت تعلق دارد.



فهرست مطالب

مقدمه ۷

تحلیل ۷

نتیجه گیری ۱۶



تحلیلی پیرامون توافق آتش‌بس در غزه



مقدمه

به‌تازگی (۳۰ دی‌ماه)، اجرای توافق آتش‌بس میان حماس و رژیم صهیونیستی آغاز شد و بدین ترتیب، به ۱۵ ماه جنگ و کشتار توسط رژیم پایان داد. این توافق مدت‌ها در حال بحث و گفتگو بود و بارها تا مرز نهایی شدن پیش رفت، اما هر بار توسط کابینه امنیتی مستقر در تل‌آویو رد می‌شد. ابتدا باید اشاره کرد که بی‌شک این توافق در وهله‌ی اول یک پیروزی آشکار برای مقاومت فلسطین است و ما از این پیروزی بسیار خرسندیم. اما معتقدیم که در این جنگ پر از پیچیدگی‌ها و نیرنگ‌ها، باید با دقت، وسواس و بدبینی به اقدامات دشمن نگریست و آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. البته روشن است که در این بررسی‌ها، به همان اندازه که باید مراقب نیرنگ‌های دشمن بود، باید از اغراق در تحلیل نقشه‌های دشمن نیز اجتناب کرد و همه‌ی اتفاقات میدان را در قالب برنامه‌های از پیش طراحی‌شده‌ی او ندانست.

تحلیل

حال، پس از این مقدمه، به سؤالی که در رابطه با توافق آتش‌بس به ذهن می‌رسد می‌پردازیم: چرا این توافق اکنون و در این زمان به نتیجه رسید، در حالی که از چهار ماه پیش تا به حال همین توافق روی میز بوده است؟ از آن زمان تا کنون، رژیم به هیچ‌کدام از اهداف اصلی اعلامی خود در آغاز جنگ نرسیده است تا مستمسکی برای پایان دادن به جنگ باشد. پس چه



شد که هیئت حاکمه رژیم این بار این توافق که شکست آشکاری در مقایسه با اهداف اعلامی شان به شمار می آید، پذیرفت؟

به نظر می رسد پاسخ این سؤالات را باید در تغییر سکان دار و به تبع آن تغییر دست فرمان و سیاست های کاخ سفید جستجو کرد. زیرا با انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده، شرایط تغییر کرد. ترامپ در زمان کاندیداتوری و تبلیغات انتخاباتی خود وعده داده بود که پس از انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور، به جنگ غزه پایان خواهد داد و پس از پیروزی در انتخابات نیز اولتیماتومی صادر کرد و هشدار داد که تا پیش از استقرار او در کاخ سفید، باید به جنگ پایان داده شود که دیدیم چنین هم شد و یک روز پیش از مراسم تحلیف او، آتش بس به اجرا درآمد.

در خصوص این خواسته ترامپ، دو سؤال مهم وجود دارد: اولاً، مخاطب این هشدار چه کسی بود؟ و ثانیاً هدف و انگیزه او از پایان دادن به جنگ چیست؟

در خصوص سؤال اول، به نظر می رسد که مخاطب این هشدار، هیئت حاکمه رژیم صهیونیستی به سرکردگی نتانیاهو بوده است، زیرا تنها مانع پیشروی توافق، همین افراد بودند. اما در رابطه با سؤال دوم، باید گفت که پاسخ کامل و تفصیلی به این سؤال در این مقال نمی گنجد و صرفاً به اشاره ای گذرا بسنده می کنیم. آنچه که از ترامپ، تیم او و هیئت حاکمه آمریکا برمی آید این است که قطعاً آن ها دلشان برای مردم غزه نسوخته اند که بخواهند به جنگ پایان دهند، بلکه اهداف خاص خود را دنبال می کنند. این اهداف عبارتند از: پاسخ دادن به مطالبات مردمی و آرام ساختن افکار عمومی



داخلی و بین‌المللی؛ پایان‌دادن به هزینه‌های حمایت نظامی، اقتصادی و سیاسی از جنگ رژیم (احتمالاً تیم ترامپ به این نتیجه رسیده که ادامه جنگ بی‌فایده است و رژیم از رسیدن به اهداف اعلامی خود در غزه ناتوان است و می‌بایست آن‌ها را به تغییر استراتژی وادار کرد)؛ پیگیری شعار و راهبرد اول "آمریکای ترامپ" و پرهیز از ورود آمریکا به ترتیبات منطقه‌ای پرهزینه و بی‌نتیجه؛ و همچنین پیگیری و احیای طرح صلح ابراهیم و کردورهای مرتبط با آن.

باتوجه به مطالبی که تا به اینجا بیان شد، چنین به نظر می‌رسد که در پس پرده این آتش‌بس، یک توافق و معامله مخفی میان ترامپ و کابینه رژیم صهیونیستی صورت گرفته است که اهداف مهمی را دنبال می‌کند. زیرا این چشم‌پوشی از اهداف و پذیرش شکست، اگر بدون ما به ازایی دیگر باشد، اصلاً منطقی به نظر نمی‌رسد. حال که به بخشی از سؤال اول خود پاسخ داده‌ایم، آن را این‌گونه تکمیل می‌کنیم که چه معامله‌ای در پشت پرده صورت گرفته و رژیم صهیونیستی چه چیزی در مقابل این عقب‌نشینی دریافت کرده است؟ طبیعتاً پاسخ قطعی این سؤال را نمی‌توان یافت، زیرا اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، مسئله‌ای محرمانه بین طرفین آن تلقی می‌شود و کسی از آن اطلاعی نخواهد داشت. اما می‌توان برخی سناریوهای محتمل را حدس زد که در ذیل آن‌ها را مورد بررسی قرار خواهیم داد:



۱- دریافت تضمین از ایالات متحده توسط نتانياهو برای ماندن در قدرت پس از بازگشت شرایط به حالت عادی:

باتوجه به اینکه نتانياهو در وضعیت نامساعدی از نظر داخلی قرار دارد، این امکان وجود دارد که پس از مشاهده اختلال در حمایت آمریکا از جنگ در آینده و ناامیدی از دستیابی به اهدافش بدون حمایت همه‌جانبه آمریکا، به سمت امتیازگیری از ایالات متحده برای ماندن در قدرت پس از آتش‌بس رفته باشد. ترامپ نیز در ازای پذیرش آتش‌بس از سوی نتانياهو، این امتیاز را به او داده باشد.

این سناریو از آنجاکه پس از توافق آتش‌بس برخی وزرای کابینه استعفا دادند یا تهدید به استعفا کردند و تندروهای مذهبی و سیاسی رژیم نیز جبهه‌گیری بسیار تندی علیه این توافق و شخص نتانياهو داشته‌اند، قابل توجه است. علاوه بر این، افکار عمومی رژیم نیز این توافق را دیرهنگام می‌دانند و مقصر آن را شخص نتانياهو می‌شمارند. از طرفی وضعیت قضایی نتانياهو در داخل و خارج (حکم بازداشت او به دلیل ارتکاب جنایات جنگی توسط دیوان کیفری بین‌المللی) ادامه ریاست او بر کابینه را با مشکل جدی روبه‌رو کرده است. باتوجه به تمامی دلایل فوق، چنین به نظر می‌رسد که این سناریو محقق نخواهد شد. اگر این سناریو عملی شود، به معنای آن است که در آینده‌ای نه‌چندان دور، جنگی از طرف رژیم صهیونیستی شکل



خواهد گرفت که برای آن باید مهره سوخته‌ای؛ مانند نتانیاهو مسئولیت آن را به عهده بگیرد.

۲- برنامه‌ریزی برای عدم ادامه آتش‌بس پس از تبادل

اسرا و آزادسازی اسیران و اقدام دوباره علیه

حماس به‌منظور از بین بردن تهدید حماس:

این احتمال وجود دارد که رژیم صهیونیستی بخواهد با هماهنگی آمریکا، پس از دریافت اسرای خود از حماس و آسوده شدن از فشار افکار عمومی داخلی، پس از بازسازی توان خود در این مدت، با فضا سازی رسانه‌ای به آتش‌بس پایان دهد و به سمت راهبرد از بین بردن تهدید حماس به‌عنوان هدف جدید خود حرکت کند.

این سناریو با دو مشکل جدی روبه‌رو است: اول اینکه اگر کابینه فعلی رژیم صهیونیستی از اکثریت بیفتد و نتانیاهو دیگر نتواند دولت تشکیل دهد، نشان‌دهنده تغییر جدی در استراتژی ایالات متحده و رژیم نسبت به نوع کنش در مسئله فلسطین خواهد بود. این استراتژی هرچه باشد، ادامه این جنگ نخواهد بود. دومین مشکلی که تحقق این سناریو را مورد خدشه قرار می‌دهد، دشواری و پرهزینه بودن (مالی و جانی) بازگشت نیروهای نظامی رژیم به غزه است.



۳- وارد کردن آسیب جدی یا کشاندن جنگ به دیگر کشورهای محور مقاومت:

این احتمال وجود دارد که رژیم صهیونیستی با حمایت ایالات متحده آمریکا و دیگر متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود، نقشه‌ای مشابه آنچه پس از آتش‌بس با حزب‌الله در سوریه اجرا کردند، برای آسیب‌رساندن به یکی از کشورهای محور مقاومت طراحی کند. کشورهای زیر می‌توانند جزو گزینه‌های این برنامه شوم قرار گیرند: یمن (انصارالله)، عراق (مقاومت اسلامی عراق)، لبنان (حزب‌الله) و جمهوری اسلامی ایران. در ادامه، تهدیدات نسبت به این کشورها را بررسی خواهیم کرد.

یمن:

یمن در جنگ اخیر غزه یکی از پررنگ‌ترین نقش‌ها را ایفا کرد. این نقش عمدتاً به دو صورت پیشبرد شد: یکی از طریق بستن تنگه باب‌المندب به روی کشتی‌های اسرائیلی و کشتی‌هایی که به سمت سرزمین‌های اشغالی حرکت می‌کردند که رژیم صهیونیستی را با چالشی مهم مواجه ساخت. از طرف دیگر، ارتش یمن با انجام عملیات‌های پرتکرار موشکی و پهپادی در عمق سرزمین‌های اشغالی، تا آخرین روز جنگ به شدت این رژیم را آزار داد. با توجه به مشکلاتی که یمن برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرد، دور از انتظار نیست که این رژیم خبیث با همکاری آمریکا و دیگر هم‌پیمانان خود پس از آتش‌بس در غزه، قصد داشته باشد برای از بین بردن تهدید یمن در آینده، به این ملت سرافراز ضربات سنگین وارد کند. این اقدامات می‌تواند



شامل ترور رهبران سیاسی و نظامی یمن و انصارالله، حمله به زیرساخت‌های اقتصادی و نابودی توان نظامی (پهپادی و موشکی) یمن باشد.

عراق:

مقاومت اسلامی در عراق در طول جنگ غزه بارها با حملات پهپادی خود سعی در آسیب‌رساندن به رژیم صهیونیستی داشت و مکرراً نیز پایگاه‌های آمریکایی را مورد حمله پهپادی و موشکی قرار داد. این امر باعث شد که ایالات متحده و رژیم صهیونیستی برای خلع سلاح مقاومت مردمی عراق، به دولت این کشور فشار وارد کنند و پس از این آتش‌بس نیز این فشارها بیشتر خواهد شد. در صورت موفقیت در این زمینه، خطری جدی از نوع جنگ داخلی و تجزیه متوجه عراق خواهد شد.

ایران:

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مرکز محور مقاومت، در این جنگ به حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه از دیگر اعضای محور که به طور مستقیم درگیر جنگ هستند، پرداخته و خود نیز در دو عملیات "وعده صادق" حملات موشکی بی‌سابقه‌ای را علیه رژیم صهیونیستی انجام داد که منجر به خسارات و صدمات قابل توجهی به این رژیم شد. اکنون، پس از حملات هوایی رژیم صهیونیستی به برخی نقاط ایران، طبق گفته مقامات کشور، قرار است پاسخ محکمی به این رژیم داده شود.



حال پس از وقوع آتش‌بس در غزه و باتوجه‌به ضرباتی که رژیم صهیونیستی و ایالات متحده به طور مستقیم و غیرمستقیم از جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده‌اند و ممکن است در آینده نیز دریافت کنند، و همچنین باتوجه‌به تجربه تلخ سوریه، احتمال تبانی دولت جدید ایالات متحده و هیئت حاکمه رژیم صهیونیستی برای ضربه‌زدن به ایران وجود دارد. در واقع، محتمل است که ما به‌ازای دریافتی نتانیاهو و کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال پایان دادن به جنگ غزه، همان اجازه حمله استراتژیک به ایران باشد که سال‌ها آن را از ایالات متحده مطالبه کرده بودند و هر بار با مخالفت روبه‌رو شده بودند.

اگر این حمله به وقوع بپیوندد، احتمالاً حمله‌ای ترکیبی خواهد بود که به خیال خام خود رژیم صهیونیستی و متحدانش، قصد دارند توان آسیب‌رسانی به رژیم و حمایت از بخش‌های مختلف محور مقاومت را از جمهوری اسلامی ایران بگیرند. این جنگ ترکیبی می‌تواند شامل اقدامات مختلفی نظیر حمله به زیرساخت‌های انرژی، جنگ رسانه‌ای و شناختی به‌منظور ایجاد اغتشاش و درگیری در کشور، فعال‌سازی گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب در مرزهای ایران و در نهایت حمله به تأسیسات هسته‌ای کشور باشد.

داشتن چنین برنامه‌ای برای ایران از سوی دشمن، باتوجه‌به:

(۱) فضاسازی‌های رسانه‌ای اخیر دشمن در خصوص برنامه هسته‌ای ایران،

۲) خطای محاسباتی دشمن در مورد توان جمهوری اسلامی ایران در دفاع از خود و پاسخ به تهدیدات،

۳) حمله به سایت‌های پدافندی و آفندی (موشکی) ایران طی حمله اخیر رژیم صهیونیستی،

دور از ذهن نیست؛ بنابراین، جا دارد که مسئولان و تصمیم‌گیران سیاسی و نظامی کشور با حساسیت بالا، تحرکات رژیم صهیونیستی را زیر نظر داشته باشند و برای هر پیشامدی آماده و برنامه‌ریزی کنند تا محاسبات اشتباه دشمن را تغییر دهند و مانع هرگونه جسارتی به خاک و منافع جمهوری اسلامی ایران شوند.

۴- سناریوی پایان دادن به جنگ و بازگشت به طرح

صلح ابراهیم و شراکت کریدوری:

سناریویی که می‌تواند تمام سناریوهای پیش‌گفته را بی‌اثر کند، بازگشت به مذاکرات صلح ابراهیم و ایجاد شراکت کریدوری میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی پیرامون کریدور «آیمک» است. این سناریو زمانی عملی می‌شود که تصمیم‌گیران جدید کاخ سفید به این جمع‌بندی برسند که استراتژی ۱۵ ماه گذشته درباره غزه دیگر قابل ادامه نیست و نیاز به تغییر دارد. این تغییر همان پایان کامل جنگ با حماس و آغاز مذاکرات و روند عادی‌سازی روابط کامل با اعراب خواهد بود.

چنانچه این تصمیم اتخاذ شده باشد، به یک قربانی سیاسی نیاز خواهد داشت و این قربانی کسی نخواهد بود جز بنیامین نتانیاہو.



۵- وارد ساختن ضربات همزمان و ترکیبی به تمام

جبهه مقاومت:

گزینه دیگری که محتمل به نظر می‌رسد این است که دشمن بخواهد به صورت همزمان به تمام اعضای جبهه مقاومت ضرباتی متناسب با نقاط آسیب‌پذیر آن‌ها وارد کند. طبیعی است که این حملات یک‌دست و یک‌جنس نخواهند بود و بسته‌ای از اقدامات رسانه‌ای، شناختی، سیاسی، نظامی، تروریستی و اقتصادی را شامل می‌شوند.

به نظر می‌رسد اقدامات امنیتی اخیر همچون ترور قضات عالی‌رتبه در ایران، ترور یکی از مسئولان حزب‌الله در بقاع لبنان، افزایش فشارها بر حشدالشعبی در عراق، فرمان اجرایی ترامپ درباره رفع تحریم تندرهای یهودی در کرانه باختری و حمله صهیونیست‌ها به جنین در کرانه باختری را می‌توان در چارچوب این سناریو تحلیل کرد.

نتیجه‌گیری

در این یادداشت، با طرح پرسشی پیرامون چرایی پذیرش توافقی از سوی دولت مستقر در رژیم صهیونیستی که شکستی آشکار برای آن‌ها محسوب می‌شد، به بررسی پنج سناریوی احتمالی در رابطه با طرح و برنامه مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی برای دوره پس از توافق آتش‌بس پرداختیم. این سناریوهای محتمل، به ترتیب میزان احتمال عبارت‌اند از:



۱. وارد ساختن ضربات هم‌زمان و ترکیبی به تمام جبهه مقاومت؛
 ۲. پایان دادن به جنگ و بازگشت به طرح صلح ابراهیم و شراکت کریدوری؛
 ۳. وارد کردن آسیب جدی یا کشاندن جنگ به دیگر کشورهای محور مقاومت؛
 ۴. برنامه‌ریزی برای عدم تداوم آتش‌بس پس از تبادل اسرا و آزادسازی اسرای خود و اقدام دوباره علیه حماس به‌منظور از بین بردن تهدید این گروه؛
 ۵. دریافت تضمین توسط نتانیاهو از ایالات متحده برای ماندن در قدرت پس از بازگشت اوضاع به حالت عادی.
- در نهایت، باید صحنه را با دقت و حساسیت بالا زیر نظر داشت. ضروری است با تحلیل دقیق تحرکات جبهه دشمن و بهره‌گیری از شاخص‌های مطرح‌شده در متن، به شناسایی گزینه‌های احتمالی انتخاب‌شده از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی پرداخت. همچنین، لازم است اقدامات مناسب برای مقابله با این نقشه‌ها اتخاذ شود تا برنامه‌های دشمنان خنثی شده و به خودشان بازگردانده شود.

تهران، بالاتر از چهارراه ولیعصر(عج)، خیابان بزرگمهر، خیابان سرپرست، پلاک ۱

۰۲۱-۶۶۹۷۴۳۲۸

www.hekmatac.ir

@hekmatac_ir



نشانی:

شماره تماس:

وبسایت:

درگاه مجازی:

